

بررسی برخی مسائل اجتماعی - اقتصادی در شیوه های مختلف بهره برداری از مراتع (مطالعه موردی: مراتع منطقه ندوشن)

علی اکبر کریمیان، استادیار دانشکده منابع طبیعی و کویر شناسی، دانشگاه یزد
akarimian@yazd.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۰۷

پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۲۷

چکیده

این تحقیق در سال ۱۳۹۰ به منظور بررسی و مقایسه برخی مسائل اقتصادی - اجتماعی موجود در روش های مختلف بهره برداری از مراتع از دیدگاه بهره برداری، در مراتع صدر آباد ندوشن (استان یزد) انجام شد. جامعه آماری تحقیق بر اساس پروانه چرای به سه گروه تک پروانه به نام بهره بردار (افراز)، پروانه به نام شخص به عنوان نماینده بیش از ۲ بهره بردار (مشاع) و پروانه به نام شورای روستا تقسیم شد. در این راستا، ۱۶ سامان عرفی در سه شیوه بهره برداری در منطقه مورد مطالعه انتخاب شد. با توجه به اهداف تحقیق، ۳۸ پرسشنامه از طریق مصاحبه مستقیم با بهره برداران (صاحبان پروانه چرا) در منطقه تکمیل گردید. یافته های پژوهش نشان داد عامل احساس مالکیت در مراتع افزای به طور معنی داری بالاتر از مراتع مشاعی و در مراتع مشاعی بالاتر از شورایی است ($p < 0/05$). رقابت در بهره برداری و تمایل به افزایش تعداد دام در مراتع مشاعی بیشتر از مراتع شورایی و افزای است ($p < 0/05$). میزان حمایت دولت از بهره برداران در برخورد با تخلف کنندگان در سه گروه مورد بررسی اختلاف معنی داری ندارد ($p > 0/05$). همچنین میزان تمایل بهره برداران به تفکیک مرتع در دو شیوه بهره برداری مشاعی و شورایی با هم اختلاف معنی دار داشته ($p < 0/05$). به نحوی که بهره برداران مشاع تمایل بیشتری برای تفکیک مراتع نسبت به بهره برداران شورایی دارند.

واژگان کلیدی: شیوه های بهره برداری؛ بهره برداری افزای؛ بهره برداری مشاعی؛ بهره برداری شورایی؛ ندوشن.

مقدمه

و مرتع در واحدهای اقتصادی در نظر گرفته شود (Rangavaran, 2000). اطلاع دقیق از وضعیت پوشش گیاهی به عنوان یکی از عامل های اساسی مورد نیاز در برنامه ریزی و ارائه روش های مناسب مدیریت دام و مرتع در واحدهای اقتصادی و اجتماعی است (Arzani et al., 2007 و Oses Eraso & Viadrich, 2007). در ارتباط با مدیریت منابع طبیعی مشترک در تانزانیا نتایج مطالعه (Queen et al., 2009) نشان داد در واحدهای اکولوژیکی و محدوده های عرفی معین، تعامل بین بهره برداران در مدیریت منابع عمومی مشترک اهمیت کلیدی دارد. (Oses Eraso & Viadrich, 2007) با مطالعه مالکیت مشاعی در پامپلونا اسپانیا که به وسیله دو مؤسسه تعاونی و غیر تعاونی مدیریت می شد، مدلی ارائه داد که در

بخش مهمی از مراتع در چارچوب نظام سنتی بهره برداری می شوند و شناخت دقیق این نظام ها در مدیریت و بهره برداری مراتع امری ضروری است (Azkia, 1997). در بهره برداری اصولی و پایدار مراتع، مدیریت را باید تلفیقی از دو بعد اکولوژیکی و اجتماعی دانست. (Papoliyazdi & Labaf Khaniki, 2000) با بررسی نظام های مرتعداری در مراتع ایران اعتقاد دارند مؤلفه های اکولوژیکی، وضعیت پوشش گیاهی و مشخصات فنی مراتع از عوامل شکل گیری نظام های مدیریت چرا و بهره برداری از مراتع است. بنابراین، در مدیریت و اجرای طرح های اصلاح و احیاء به کارگیری اصول مرتعداری در صورتی امکان پذیر است که ارزش طبیعی و بوم شناختی مراتع در ارتباط با شرایط اجتماعی با تأکید بر سه عنصر انسان، دام

افرازی دانسته است. معایب مالکیت مشاعی را نیز می توان با مدیریت درست برطرف نمود و انگیزه حفظ منابع طبیعی را با برنامه های خاص در بین مردم بوجود آورد. هدف از انجام این تحقیق بررسی و مقایسه برخی عوامل اقتصادی - اجتماعی موجود بین شیوه های مختلف بهره برداری از دیدگاه بهره برداران در مراتع صدر آباد ندوشن است.

مواد و روش ها

منطقه مورد مطالعه

مراتع مورد مطالعه در منطقه صدر آباد ندوشن با موقعیت جغرافیایی $31^{\circ} 53' 9''$ عرض شمالی و $32^{\circ} 10'$ طول شرقی در فاصله ۱۵۰ کیلومتری از مرکز استان و در ارتفاع ۲۳۲۵ متری از سطح دریا واقع شده است. اراضی منطقه در محدوده شیب ۱۰-۲٪ گسترش دارد. اقلیم منطقه بر مبنای طبقه بندی اقلیمی دومارتن گسترش یافته، خشک فرا سرد می باشد که میانگین بارندگی و دمای سالانه منطقه به ترتیب $98/3$ میلی متر و $14/4^{\circ}C$ است.

روش بررسی

در این تحقیق پنج شاخص احساس مالکیت بهره برداران، بی نظمی و رقابت در بهره برداری، میزان حمایت دولت از بهره برداران در برخورد با تخلف کنندگان، میزان رقابت در افزایش دام و میزان تمایل بهره برداران به تفکیک مرتع، در ۱۶ سامان عرفی دارای سه شیوه بهره برداری (مشاعی، شورایی و افرازی) مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفت. ابزار اندازه گیری پژوهش، پرسشنامه بود. داده ها در پرسشنامه به صورت کمی با مقیاس رتبه ای (براساس طیف پنج گزینه ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد) مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با $(0/82) =$ تعیین شد که مقدار این ضریب نشان دهنده هماهنگی، انسجام و هم مسیر بودن گویه ها است. در ضمن اعتبار یا روایی سوالات نیز از روش معتبر سازی محتوا و با مراجعه به کارشناسان و متخصصان امر مورد تأیید قرار گرفت.

آن، همکاری اجتماعی در مالکیت مشاعی به عنوان سازو کار مثبت مشاهده شد و در مدیریت پایدار منابع طبیعی اثرگذار بود. (Arzani et al. (2007) در بررسی حداقل مساحت مرتع مورد نیاز دامداران استان سمنان، عامل اساسی تخریب مراتع را عدم تعادل دام و مرتع و بهره برداری بی رویه بیان داشت. در حال حاضر مشکلات مدیریت مراتع کشور تعدد بهره بردار، تعداد زیاد دام و بهره برداران با بنیه اقتصادی پائین است که شرایط لازم برای سرمایه گذاری و اصلاح و توسعه مراتع را با چالش مواجه می نماید.

Gandali (2001) در بررسی و مقایسه شیوه های بهره برداری از علوفه مراتع و تأثیر آن بر عرصه های مرتعی استان سمنان بیان نمود که شیوه های بهره برداری از مراتع بر روی میزان تولید علوفه در مراتع اثر معنی دار دارد. (Karimian (2010) با بررسی تأثیر شیوه های مختلف بهره برداری بر وضعیت مراتع زمستانه استان سمنان و Heydari et al. (2010) با بررسی شیوه های مختلف بهره برداری در مراتع بلده مازندران بیان نمودند که بین انواع مدیریت مرتع با وضعیت پوشش گیاهی در شیوه های مختلف بهره برداری رابطه معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه تعداد بهره بردار از مرتع بیشتر شود، وضعیت مراتع رو به فقیر شدن پیش می رود. نتایج بررسی Lise (2000) نشان می دهد در مراتع مشاعی و جمعی مشکل مدیریت هنگامی شروع می شود که هر بهره بردار تلاش می کند که هر چه بیشتر از این منابع استفاده نماید. نتایج مطالعه Bogal et al. (2006) در ارتباط با محدوده های عرفی و نظام بهره برداری از آن در شرق اتیوپی نشان داد قانونمند نبودن حقوق بهره برداری و مدیریت در اراضی مرتعی این مناطق باعث تخریب مراتع، فقر بیشتر و کمبود غذا شده است. آن ها مشخص نبودن چگونگی مدیریت و حق بهره برداری را باعث بی نظمی و رقابت در بهره برداری مفرط از منابع می دانند. (Hosseini Nasab et al. (2011) با بررسی رابطه بین نوع مالکیت مرتع و وضعیت بهره برداری در مراتع بیلاقی شهرستان اراک نشان داد هر چند مالکیت مشاعی دارای معایبی است ولی با توجه به کارایی و بالا بودن روحیه مشارکت در بین بهره برداران آن، این نوع از مالکیت را مناسب تر از شیوه بهره برداری شورایی و

تجزیه و تحلیل داده‌ها

پرسشنامه‌های تکمیل شده پس از بازبینی ابتدایی و بررسی دقت و صحت اطلاعات، آماده جهت تجزیه و تحلیل شد.

برای پردازش و استخراج داده‌های کمی و کیفی از نرم افزار آماری SPSS و با به کارگیری روش‌های آماری متناسب با سطح سنجش متغیرها مانند کروسکال والیس استفاده شد. در بخش آمار توصیفی به منظور بیان شرایط عمومی سامان‌های عرفی، از آماره‌هایی همچون فراوانی، درصد و میانگین رتبه‌ای استفاده شد. برای مقایسه میانگین‌ها از آزمون من ویتنی و برای مقایسه شاخص‌های مورد نظر در هر یک از شیوه‌های بهره برداری از آزمون کروسکال والیس استفاده شد (Zare Ghahouki, 2010).

نتایج

چگونگی بهره‌برداری از مراتع

نتایج به دست آمده از بررسی طرح‌های مرتع‌داری و مطالعات صحرائی نشان می‌دهد که بیش از ۶۰٪ سامان‌های عرفی منطقه مورد مطالعه از نظر شیوه بهره‌برداری به صورت افرازی بهره‌برداری می‌شوند (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع فراوانی انواع شیوه‌های بهره برداری و تعداد اعضای آن در جامعه آماری مورد تحقیق

شیوه بهره برداری	فراوانی	درصد
مشاع	۳	۱۸/۷۵
شورایی	۳	۱۸/۷۵
افرازی	۱۰	۶۲/۵
جمع	۱۶	۱۰۰

مساحت سامان‌های عرفی در هر یک از شیوه‌های بهره‌برداری

نتایج بررسی نظرات پاسخ‌گویان و طرح‌های مرتع‌داری نشان می‌دهد که توزیع مساحت در بین بهره‌برداران بسیار گوناگون بوده و از مساحت‌های کمتر از ۳۰۰ هکتار تا بیش از ۱۵۰۰ هکتار را شامل می‌شود. جدول ۲ درصد مساحت سامان‌های عرفی بهره‌برداران در هر یک از شیوه‌های بهره‌برداری را نشان می‌دهد.

تعداد دام در هر یک از شیوه‌های بهره‌برداری

نتایج مطالعات صحرائی نشان می‌دهد که حدود ۵۶٪ از مراتع منطقه مورد مطالعه بین ۴۰۰-۳۰۰ رأس دام در محدوده‌های عرفی دارند (جدول ۳).

جدول ۲. درصد مساحت سامان‌های عرفی در هر یک از شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع

مساحت سامان عرفی (هکتار)	مشاع	شورایی	افرازی	درصد
کمتر از ۳۰۰	۱	۰	۲	۱۸/۷۵
۳۰۰-۵۰۰	۰	۰	۲	۱۲/۵
۵۰۰-۱۰۰۰	۱	۱	۳	۳۱/۲۵
۱۰۰۰-۱۵۰۰	۰	۱	۱	۱۲/۵
بیشتر از ۱۵۰۰	۱	۱	۲	۲۵/۰
جمع	۳	۳	۱۰	۱۰۰

جدول ۳. وضعیت تعداد دام در هر یک از شیوه‌های بهره‌برداری از مراتع

تعداد دام	مشاع	شورایی	افرازی	درصد
کمتر از ۳۰۰	۱	۰	۳	۲۵/۰۰
۳۰۰-۴۰۰	۲	۱	۶	۵۶/۲۵
بیشتر از ۴۰۰	۰	۲	۱	۱۸/۷۵
جمع	۳	۳	۱۰	۱۰۰

وضعیت مرتع بهره برداران در سامان های عرفی

به صورت گروهی از سامان های عرفی استفاده می کنند دارای مراتعی با وضعیت فقیر تا خیلی فقیر هستند. (جدول ۴).

بررسی وضعیت مرتع بهره برداران نشان می دهد که وضعیت مرتع ۳۷/۵٪ بهره برداران مورد مطالعه در سه شیوه بهره برداری خوب و ۳۷/۵٪ از بهره بردارانی که بیشتر

جدول ۴. وضعیت مرتع بهره برداران در شیوه های مختلف بهره برداری

وضعیت مرتع	مشاعی	شورایی	افزازی	درصد
خوب	۰	۰	۶	۳۷/۵
متوسط	۱	۰	۳	۲۵/۰
فقیر	۲	۱	۱	۱۸/۷۵
خیلی فقیر	۰	۲	۰	۱۸/۷۵
جمع	۳	۳	۱۰	۱۰۰

عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر مرتع در شیوه های مختلف بهره برداری از دیدگاه بهره برداران

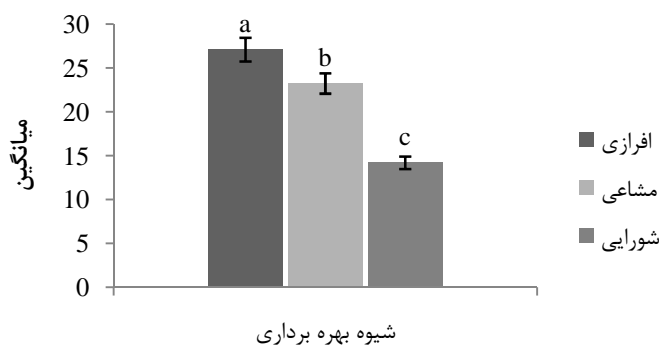
در این بخش عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر مرتع در شیوه های مختلف بهره برداری از دیدگاه بهره برداران با پنج شاخص به طور مستقل مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن در ذیل بیان می شود:

۱) برای مقایسه تأثیر شیوه بهره برداری در احساس مالکیت بهره برداران، نتایج آزمون کروسکال والیس نشان

می دهد که میزان احساس مالکیت بهره برداران با شیوه های مختلف بهره برداری در سطح اطمینان ۹۹٪ معنی داری است ($P=0/001$ و $X^2=13/99$) (جدول ۵). مقایسه میانگین رتبه ای در سه شیوه مورد مطالعه نشان می دهد که میزان احساس مالکیت بهره برداران در شیوه افزایشی بیشتر از شیوه مشاعی و شیوه شورایی بیشتر از شورایی است (شکل ۱).

جدول ۵. میزان احساس مالکیت در بهره برداری

متغیر مستقل	امتیاز	مشاع	شورایی	افزازی	درصد	X^2	سطح معنی داری
احساس مالکیت بهره برداران	خیلی کم	۰	۱	۰	۲/۶۳	۱۳/۹۹	۰/۰۰۱
	کم	۰	۸	۰	۲۲/۲۲		
تا حدودی زیاد	۰	۱	۰	۲/۶۳			
زیاد	۳	۴	۱	۲۲/۲۲			
خیلی زیاد	۵	۶	۹	۵۲/۶۳			
جمع	۸	۲۰	۱۰	۱۰۰			



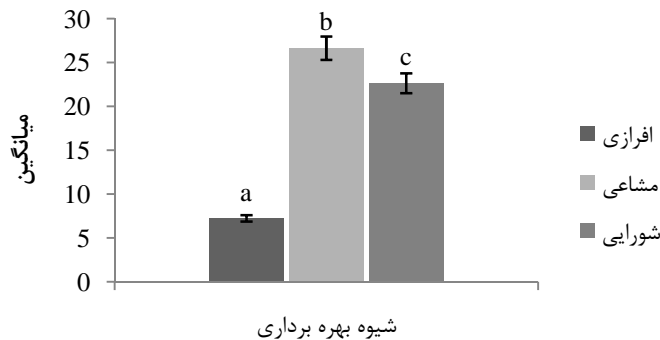
شکل ۱. مقایسه میانگین میزان احساس مالکیت مرتع در شیوه های مختلف بهره برداری.

(جدول ۶). مقایسه میانگین رتبه‌های بی‌نظمی و رقابت در بهره‌برداری در مراتع نشان می‌دهد که بیشترین بی‌نظمی و رقابت در بهره‌برداری در مراتع شورایی و کمترین آن در مراتع افزازی رخ داده است (شکل ۲).

(۲) مقایسه تأثیر شیوه‌های مختلف بهره‌برداری بر میزان بی‌نظمی و رقابت در بهره‌برداری با استفاده از نتایج آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد میزان رقابت در بهره‌برداری با شیوه‌های مختلف بهره‌برداری در سطح اطمینان ۹۹٪ معنی‌داری است ($P=0/000$ و $X^2=18/93$)

جدول ۶. بی‌نظمی و رقابت در بهره‌برداری

متغیر مستقل	امتیاز	مشاع	شورایی	افزازی	درصد	X^2	سطح معنی داری
بی‌نظمی و رقابت در بهره‌برداری	خیلی کم	۰	۲	۹	۲۸/۹۴	۱۸/۹۳	۰/۰۰۰
	کم	۳	۱۰	۱	۳۶/۸۲		
	تا حدودی	۲	۲	۰	۱۰/۵۲		
	زیاد	۲	۶	۰	۲۱/۰۵		
	خیلی زیاد	۱	۰	۰	۲/۶۳		
	جمع	۸	۲۰	۱۰	۱۰۰		



شکل ۲. مقایسه میانگین بی‌نظمی و رقابت در بهره‌برداری از مرتع در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری.

معنی داری بین انواع بهره‌برداری‌ها از این بابت وجود ندارد (جدول ۷). ولی مقدار میانگین رتبه‌های در مراتع شورایی با ۲۱/۶۸ و مشاعی ۲۲/۱۲ نشان دهنده حمایت بیشتر دولت در برخورد با تخلف‌کنندگان در این دو شیوه نسبت به مراتع افزازی با میانگین رتبه‌های ۱۳/۰۵ است.

(۳) مقایسه تأثیر شیوه‌های مختلف بهره‌برداری در میزان حمایت دولت جهت برخورد با تخلف‌کنندگان از دیدگاه بهره‌برداران با بهره‌گیری از نتایج آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد میزان برخورد با تخلف‌کنندگان از طرف دولت در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری هم معنی‌دار نیست ($P=0/076$ و $X^2=5/147$). هر چند از نظر آماری اختلاف

جدول ۷. میزان حمایت دولت از بهره‌برداران مراتع در برخورد با متخلفین

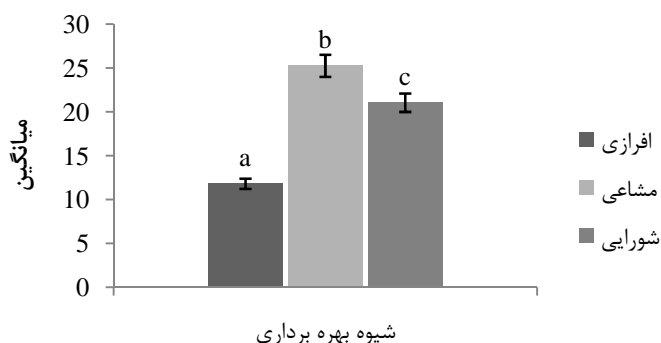
متغیر مستقل	امتیاز	مشاع	شورایی	افزازی	درصد	X^2	درصد معنی داری
حمایت دولت از بهره‌برداران در برخورد با متخلفین	خیلی کم	۲	۴	۶	۳۴/۲۲	۵/۱۴۷	۰/۰۷۶
	کم	۳	۱۰	۳	۴۲/۱۰		
	تا حدودی	۱	۱	۱	۷/۸۹		
	زیاد	۱	۵	۰	۱۵/۷۹		
	خیلی زیاد	۱	۰	۰	۰۰/۰		
	جمع	۸	۲۰	۱۰	۱۰۰		

(جدول ۸). مقایسه میانگین رتبه‌ای این آزمون در شیوه‌های مشاع، شورا و افزایش نشان می‌دهد که تمایل برای افزایش دام در شیوه مشاعی بیشتر از شورایی و شورایی بیشتر از افزایش است (شکل ۳).

(۴) مقایسه تأثیر شیوه‌های مختلف بهره‌برداری بر میزان تمایل برای افزایش تعداد دام، بر اساس نتایج آزمون کروسکال والیس نشان می‌دهد که میزان رقابت برای افزایش دام مازاد در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری دارای اختلاف معنی داری با هم هستند. ($P=0/02$ و $X^2=7/87$)

جدول ۸. میزان تمایل برای افزایش دام در شیوه های مختلف بهره‌برداری

متغیر مستقل	امتیاز	مشاع	شورایی	افزایی	درصد	X^2	درصد معنی داری
رقابت در افزایش دام	خیلی کم	۱	۰	۳	۱۰/۵۲	۷/۸۷	۰/۰۲
	کم	۱	۵	۴	۲۶/۳۲		
	تا حدودی	۱	۹	۲	۳۱/۵۸		
	زیاد	۳	۶	۱	۲۲/۳۲		
	خیلی زیاد	۲	۰	۰	۵/۲۶		
جمع		۸	۲۰	۱۰			



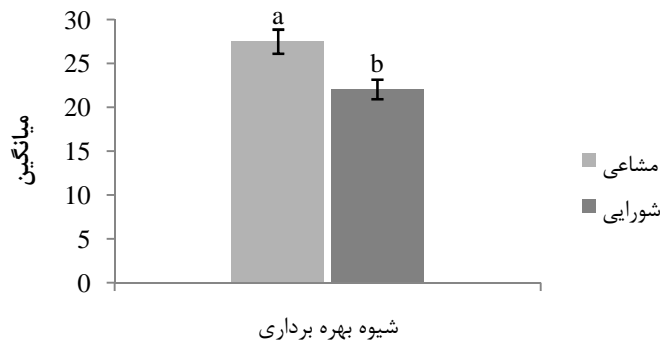
شکل ۳. مقایسه میانگین تمایل به افزایش تعداد دام توسط بهره برداران در شیوه های مختلف بهره برداری.

دارد ($P=0/001$ و $X^2=20/5$) (جدول ۹). مقدار میانگین رتبه‌ای نشان می‌دهد میزان تمایل به تفکیک در شیوه های بهره‌برداری مشاعی از شیوه شورایی بیشتر است (شکل ۴).

(۵) مقایسه تأثیر شیوه‌های مختلف بهره‌برداری بر میزان تمایل بهره‌برداران در هر مرتع بر اساس نتایج آزمون من ویتنی نشان می‌دهد بین دیدگاه بهره‌برداران در دو شیوه بهره‌برداری جهت تفکیک مراتع اختلاف معنی‌داری وجود

جدول ۹. میزان تمایل بهره برداران به تفکیک مرتع در شیوه های مختلف بهره‌برداری

متغیر مستقل	امتیاز	مشاع	شورایی	درصد	X^2	درصد معنی داری
تمایل بهره برداران به تفکیک مرتع	خیلی کم	۰	۵	۱۷/۹	۱۷/۲۵	۰/۰۰۰
	کم	۲	۶	۲۸/۵		
	تا حدودی	۱	۲	۱۰/۷		
	زیاد	۴	۳	۲۵/۰		
	خیلی زیاد	۱	۴	۱۷/۹		
جمع		۸	۲۰			



شکل ۴. مقایسه میانگین تمایل بهره برداران به تفکیک مرتع در دو شیوه بهره برداری مشاعی و شورایی.

بحث و نتیجه گیری

مالکیت یکی از بحث برانگیزترین موضوع‌هایی است که تاکنون در مدیریت مراتع در ایران تحقیقات زیادی در خصوص آن صورت گرفته است. تقسیم‌بندی‌های مختلفی از مالکیت مراتع وجود دارد و هر تحقیق به دنبال پاسخ-گویی به مشکلات و مسائل خاصی از مالکیت در منابع طبیعی است. با این وجود، بسیاری از سوال‌ها و ابهام‌ها پاسخ داده نشده است. به دنبال پاسخ‌گویی به یکی از این سوالات که ریشه در مسائل اجتماعی و اقتصادی دارد، مالکیت‌های افزایی، مشاعی و شورایی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج نشان داد که حدود ۴۰٪ از سامان‌های عرفی مورد مطالعه به صورت مشاعی و شورایی بهره‌برداری می-شود. نتایج اندازه‌گیری وضعیت مراتع در محدوده‌های عرفی این بهره‌برداران، بیان‌گر وجود تفاوت بین وضعیت مراتع در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری است. به عبارت دیگر، وضعیت مراتع براساس شیوه بهره‌برداری حاکم در هر سامان عرفی متفاوت است. هر چند نمی‌توان به طور کامل این تفاوت را به دلیل شیوه بهره‌برداری در این منطقه دانست ولی به نظر می‌رسد هر چه نوع مدیریت در بهره‌برداری از حالت فردی به سمت گروهی می‌رود به دلیل بهره‌برداری نامتناسب با ظرفیت مراتع در سامان‌های عرفی درجه وضعیت مرتع ضعیف‌تر می‌شود. این نتایج با نتایج مطالعات (Azkia et al. (1997, Lise (2000)، (Heidari et al. (2010 و (Karimian (2011 که اظهار می‌دارند در نظام بهره‌برداری اشتراکی، بهره‌برداری متناسب با ظرفیت پوشش گیاهی نیست، همسویی داشته، ولی با نتایج مطالعات (Osés Eraso & Viadrich (2000

و (Hosseini Nasab et al. (2011 که شیوه بهره‌برداری مشاعی را به علت روحیه مشارکت بیشتر بهره‌برداران دارای کارایی بالاتر می‌دانند در تضاد است. دلیل این مغایرت به طور مشخص، مربوط به روحیه افراد در مناطق مختلف بوده که تا حدود زیادی متفاوت و با توجه به تجربه افراد از انجام کارهای گروهی در طول زمان ایجاد شده و به صورت فرهنگ در می‌آید. اگر بتوان روحیه و فرهنگ کار مشترک را در افراد بالا برد، طبیعی است که نه تنها در این زمینه بلکه در همه زمینه‌ها نتیجه بهتری نیز به دست می‌آید.

بر اساس نتایج این تحقیق، به نظر می‌رسد در نظام‌های بهره‌برداری اشتراکی، تصمیم‌گیری و استفاده درست از مراتع به خاطر تعداد زیاد بهره‌بردار مشکل است. در این نظام‌ها، هر بهره‌بردار سعی بر استفاده هر چه بیشتر از منابع را دارد. بر این اساس، تعداد بهره‌بردار کم، احساس مالکیت در بهره‌برداری، دانش مرتع‌داری بالاتر و مرتع‌داری به جای دامداری را می‌توان برتری شیوه بهره‌برداری افزایی نسبت دو شیوه مشاعی و شورایی دانست، که در تحقیقات (Azkia et al. (1997 و (Gandali (2001، و (Karimian (2011 به آن اشاره شده است.

بر اساس نتایج این تحقیق به نظر می‌رسد که میزان احساس مالکیت در شیوه بهره‌برداری گروهی نسبت به وضعیت انفرادی کمتر بوده و بنابراین بی‌نظمی و رقابت در بهره‌برداری را باعث شده است. در چنین شرایطی، نظارت مستمر و برخورد مناسب دولت با تخلف‌کنندگان می‌تواند بخشی از مشکلاتی را که برای بهره‌برداران صاحب حق در مراتع وجود دارد، تا حدود زیادی کاهش دهد. توجه نکردن به این موضوع باعث می‌گردد تا بهره‌برداران،

(2007)، (2004) Natan و (2010) Heidari et al. که نوع مدیریت و تعدد بهره‌برداران را بر وضعیت کمی و کیفی پوشش گیاهی در سامان‌های عرفی مؤثر می‌دانند، هم‌خوانی دارد.

به طور کلی، اگر چه به علت ساختار اجتماعی تغییر شیوه‌های بهره‌برداری که به صورت عرفی پایدار شده‌اند، امکان پذیر نخواهد بود، ولی می‌توان با تشکیل تعاونی‌های مرتع‌داری ضمن کاهش رقابت و بی‌نظمی در بهره‌برداری براساس نوع مدیریت و شیوه بهره‌برداری موجود در هر سامان عرفی، نسبت به کاهش تعداد دام و بهره‌بردار در جهت حفظ پایداری اکولوژیک و تعادل اجتماعی محدوده‌های عرفی منطقه اقدام نمود.

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانم از همه کسانی که در به انجام رسیدن این تحقیق همکاری داشته‌اند به ویژه بهره‌برداران سخت‌کوش و زحمت‌کش مراتع منطقه تقدیر و تشکر نمایم.

References

- Arzani, H., Azarnivand, H., Mehrabi, A. K., Nikkhah, A., & Fazel Dehkordi, L. (2007). Minimal rangeland area needs for stock holders in Semnan Province. *Journal of Pa-goohesh and sazandegi*, 74, 107-113, (in Farsi).
- Azkiya, M. (1997). Investigation and evaluation of socio economic of range management plan in Fars and Kohkiluyeh va Boyer Ahmad, Tehran University Press, (in Farsi).
- Bogale, A., Taeb, M., & Endo, M. (2006). Land ownership and conflict over the use of resources: Implication for household vulnerability in eastern Ethiopia. *Journal of Ecological Economics*, 58, 134-145.
- Gandali, K. (2001). Investigation and comparison of different utilization methods and effect on rangelands in Semnan province, MSc thesis, Imam Khomani University.
- Heydari, G., Agili, S. M., Barani, H., Gorbani, G., & Mahboobi, M. R. (2010). Correlation analysis between range condition and participation rate in rangeland plan (Case study Baladeh rangelands Mazandaran Province. *Rangeland journal*, 4(1), 138-149.
- Hosseini Nasab, M., Barani, H., & Dianati, G. (2011). Investigation of relationship between kind of ownership and range condition (Arak rangelands). *Journal of Range and Desert Reaserch*, 17(1), 166-179, (in Farsi).
- Karimian, A. A. (2011). Investigation and comparison of range condition in different utilization methods (Case study: Winter rangelands in Semnan province). *Journal of Rural Research*, 2(2), 95-110, (in Farsi).
- Lise, W. (2000). Factors influencing people's participation in forest management in India. *Journal of Ecological Economic*, 34, 379-392.
- Nathan, F. S. (2004). Viewpoint: The need for qualitative research to understand ranch management. *Journal of Range Management*, 57, 668-674.
- Oses-Eraso, N., & Viadrich-Grua, M. (2007). Appropriation and concern for resource scarcity in the commons. *An experimental study Ecological Economics*, 63, 435-445.

رقابت بیش‌تری برای افزایش تعداد دام داشته و علاقه‌ای به جداسازی مراتع خصوصاً در شیوه بهره‌برداری گروهی نداشته باشند.

نتایج نشان می‌دهد که گرایش وضعیت مرتع تحت تأثیر نحوه مدیریت و شیوه‌های مختلف بهره‌برداری قرار داشته و باعث می‌شود بهره‌برداران مراتع مشترک، احساس مسؤلیت کمتری نسبت به مسائل فنی مراتع داشته و به ارزش‌های دراز مدت مراتع توجهی نداشته باشند. در واقع، می‌توان این‌گونه بیان نمود که بهره‌برداری از مراتع به - منظور حفظ حیات و تداوم معیشت، عامل تشدید رقابت در میان بهره‌برداران است و تعداد دام زیاد و منابع محدود، عاملی برای افزایش بهره‌گیری از مراتع است. وضعیت ضعیف مالی بهره‌برداران در مراتع مشترک آن‌ها را مجبور به افزایش تعداد دام می‌کند، به‌طوری که می‌توان گفت بهره‌بردار به دنبال وضعیت مطلوب برای زندگی خود دست به افزایش تعداد دام و بهره‌برداری غیر اصولی از مراتع می‌زند. بنابراین فقر بهره‌برداران می‌تواند در روند گرایش وضعیت مرتع تأثیر داشته باشد. این نتایج با مطالعات، Arzani et al. (2000) Papoliyazdi & Labaf Khaniki (2000)

- Papoliyazdi, M. H., & Labaf Khaniki, V. M. (2000). Rangeland utilization methods, *Journal of Geographical Research*, 15, 56-57, (in Farsi).
- Quinn, C. H., Huby, M., Kiwasilla, H. C., & Lovett, J. (2007). Design principle and common pool resource management: An institutional approach to evaluating community management in semi-arid Tanzania. *Journal of Environmental Management*, 84, 100-113.
- Rangavaran, R. (2000). Effect of number of stock holders and rangeland area on range condition in East Azarbayejan, MSc thesis, Tarbiat Modarres University, Pp91.
- Zare Ghahouki, M. A. (2010). Data analysis in natural resource research using SPSS software, Tehran University Press.

Investigation of some socio- economic problems in different utilization methods of rangelands (Case study: Nodushan Area, Yazd Province)

A. A.Karimian, Assistant Professor Faculty of Natural Resources and Eremology, Yazd University

akarimian@yazd.ac.ir

Received: 28 Dec 2011

Accepted: 17 Dec 2012

Abstract

This research carried out in order to compare some socio-economic problems in different utilization methods in point of view of responders at Yazd province in year 2011. Reference population in this study according to the grazing license, was divided to private exploitation, collective exploitation and conciliar exploitation. In this regard 16 ranches in the three exploitations methods were selected. According to the objectives and hypotheses, 38 questionnaires via direct interviews with exploitation (grazing license holders) have been completed in this region. The findings indicate that ownership's sense factor in private exploitation is higher than collective exploitation and in collective exploitation is higher than conciliar exploitation($p < 0.05$). Rivalry in utilization and tendency to increase of animal in collective exploitation is higher than conciliar exploitation and private exploitation ($p < 0.05$). there is no significant differences in Encounter to offenders by government between different utilization methods($p > 0.05$). Also the rate of tendency of stock holders to ranch division in collective exploitation is higher than conciliar exploitation ($p < 0.05$).

Keywords: Utilization methods; Private exploitation; Collective exploitation; Conciliar exploitation; Nodushan Rangelands.